

گفت‌وگوی صبا با عوامل فیلم ۵۲ هرتز

ریسمان فرهنگ و هنر برای ارتباط بین نسلی

فیلم سینمایی «۵۲ هرتز» که مدتی است اکرانش را در سینماهای هنر و تجربه آغاز کرده با گروه بازیگرانی چون شقایق فراهانی، امیر غفارمنش، علی استادی و... در کنار بازیگران جوان با موضوعی اجتماعی در این واپسین روزهای مانده به عید نوروز مخاطبان را به سالن‌های سینما فرا می‌خواند. خبرنگار صبا گفت‌وگویی با عوامل این فیلم داشته که در ادامه می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو

سجاد شهر یاری:
۵۲ هرتز در راستای حفظ کبان خانواده است لطفاً در مورد ایده و ساختار فیلمنامه بگویید.

یکی از سه اپیزود قصه این فیلم متعلق به آقای بهمن حسینی است. ما طرح را از ایشان گرفتیم و نوشتن فیلمنامه را آغاز کردیم. البته در برخی از دیالوگ‌ها آقای غفارمنش همکاری کردند که بخش عمده‌اش به دیالوگ‌های خودشان در فیلم برمی‌گشت. من می‌خواستم سه قصه را با هم جلو ببرم و این سه قصه باید در نقاطی با هم برخورد می‌داشتند. یعنی زندگی سه جوان به هم گره بخورد به شکلی که ما مردم عادی در جامعه به هم گره می‌خوریم. شاید اگر من شما را جایی ببینم نشناسم ولی ممکن است در جامعه جایی و لحظه‌ای زندگی‌هایمان به هم گره بخورد. این در ذهنم بود که باعث شد فیلمنامه را به این شکل جلو ببرم. گره‌های افراد جامعه و جوانان جامعه از سویی با خانواده‌هایشان به شکل مستقیم و پی‌رنگ‌ها و خورده‌قصه‌هایی در اطراف قصه اصلی و اینکه اساساً آدم‌ها ممکن است ندانند کجا به هم برخورد خواهند داشت خورده‌اند یا یکدیگر را دیده‌اند اما سرنوشتشان به یکدیگر وصل می‌شود.

به موازات چهره‌های جدید اسامی مهمی در کادر بازیگران دیده می‌شوند. در مورد انتخاب بازیگران بگویید.

ما مجبور بودیم برای بازیگر نقش سه جوان از سه بازیگر جدید استفاده کنیم و به طبع در حال حاضر و در نسل فعلی بازیگر ۲۰ ساله‌ای که چهره باشد نداریم. پس مجبور بودیم صرفاً به دنبال بازیگرانی باشیم که از پس کار بر بیایند و از قدرت بازیگری مطلوبی برخوردار باشند. یکی از این انتخاب‌ها آقای حمید رشید بود که به جد بازیگر توانمندی هستند. خانم مهشید جوادی را وقتی انتخاب کردیم هنوز در اندازه امروز چهره نشده بودند و خوشبختانه رشد ایشان در عرصه بازیگری و شناخته شدنشان به این فیلم هم کمک می‌کند و حامی حسامی که انتخابش هم بخاطر توانایی بازیگری بود و هم از این جهت که آن ارتباط مادر پسری بین ایشان و خانم فراهانی به شکل



قصه پردازی و کاراکترسازی صرفاً قرار نیست که در واقعیت جامعه شکل بگیرد و مستقیماً یک نمونه عینی از آن دیده باشید شما می‌توانید برداشتهایی از شخصیت‌های مختلف بکنید و به کاراکتری که بتوانید با آن حرفی را انتقال بدهید تبدیل کنید. لزوماً قرار نیست این کاراکتر وجود خارجی داشته باشد تا با آن ارتباط بگیرید همانطور که مخاطب این فیلم توانست با این کاراکتر ارتباط بگیرد. به خصوص با بحث آنا رشیست بودن محیا. این کاراکتر اتفاقاتی را تجربه کرده و پس از آن دست به آنا رشی و رفتارهای ناهنجار مثل دزدی می‌زند و آن دزدی را تبدیل به مسیری می‌کند تا عقده‌ها و کمبودهای خود را جبران کند. خب ما در جامعه‌مان چقدر افرادی داریم که با رفتارهای آنا رشیستی‌شان می‌خواهند کمبودهایشان را جبران کنند! به نظر من افراد زیادی با این خصوصیت در کشور ما وجود دارند منتها مستقیماً نه به این شکل بلکه با اشکال مختلف.

دوست دارید مخاطب جدای ابعاد ذکر شده به چه مواردی توجه کند؟

این پروژه با هزینه شخصی انجام شده ما یک هزار تومان کمک دولتی نداشتیم و می‌خواستیم معضلات جوانان امروز را مطرح کنیم و از طرفی نسل اول انقلاب و فهم، درک و کمک برخی از آنها به نسل امروز را ببینیم و به قصه در کنار هم بودن تبدیلش کنیم. این کاری است که شاید هنوز کسی با هزاران هزار فیلم با بودجه دولتی موفق به انجام آن نشده است. در سینما برای من بسیار مهم است تا جایی که می‌شود در کنار همه مسائل مطرح شده تمیزی و ارزش‌های خانواده حفظ و رعایت شود و در این فیلم هم این مسئله مستثنا نبود. اگر من سجاد شهر یاری این فیلم را ساختم باز هم در راستای حفظ کبان خانواده و ارزش‌های افراد این جامعه است شاید بسیاری از افراد جامعه مادر حال حاضر دیگر نسل اول انقلاب را قبول ندارند ولی هنوز هستند کسانی از آن نسل که می‌توانند ناجی خانواده ایرانی باشند و فقط کافیست که بتوانند با این نسل جدید ارتباط برقرار کنند و به یک درک متقابل چه در مقام پدر و مادر، چه در مقام یک هم‌محلای، دوست

مطلوب‌تری شکل می‌گرفت. در بحث بازیگران چهره ما سعی کردیم کسانی را انتخاب کنیم که از لحاظ بازی متفاوت و توانمند باشند تا بتوانیم بازی بازیگران این دو نسل را به هم انتقال بدهیم و خط داستان بازی‌شان با هم در تاکتیک کلی فیلم درست در بیاید.

پر داختن به معضلات جوانان بخصوص در زمینه موسیقی دغدغه شما بود؟

در حقیقت ما محدودیتی برای موسیقی جوانان نداریم و در حال حاضر خوانندگان و موسیقین‌های زیادی مشغول به فعالیت هستند ولی در این فیلم با محدودیتی مواجه هستیم که خانواده برای این جوان ایجاد کرده و نخواست که فرزندش درگیر این اتفاق شود. به این شکل پسر مجبور شده تا خود را به شکل نوازنده خیابانی ابراز کند و آنچه را که پدر و مادرش نخواست‌اند ببینند را در خیابان به مردم نشان می‌دهد و خوب این هم یک قانونی در مملکت است که شاید گاهی اجازه نمی‌دهند که افراد در خیابان به این کار بپردازند و پسر ضربه را از اینجا می‌خورد. در صورتی که اگر پدر و مادر او را در مسیر درستی هدایت می‌کردند و هنر و روح او را درک می‌کردند و می‌پذیرفتند شاید هرگز به سمت موسیقی خیابانی کشیده نمی‌شد و می‌توانست یک هنرمند بزرگ در عرصه موسیقی باشد. بیشتر می‌خواستم این واقعه را در بستر خانواده مورد بررسی قرار دهم. ۵۲ هرتز در اصل همانطور که در فیلم اشاره می‌شود فرکانس صدای نهنکی است که متفاوت از نهنک‌های دیگر است و به همین علت تنه‌است. این صدا نماد جوانی است که شنیده نمی‌شود و نسل قبلی او را درک نمی‌کند و او هم نمی‌تواند نسل قبل خود را درک کند و در نامگذاری فیلم تنهایی این دو نسل را با اسمی برگرفته از صدای این فرکانس نشان می‌دهیم. دغدغه اصلی ما همین نفهمیدن و درک نشدن نسل‌ها توسط یکدیگر است.

از کاراکتر محیا و نحوه شکل‌گیری این کاراکتر برای ما بگویید و اینکه آیا برای این کاراکتر ما به ازای عینی داشتید یا خیر؟